

آیه ۱۴۶ - ۱۴۷

آیه و ترجمه

الذین ءاتینهم الكتب يعرفونه كما يعرفون ابناءهم و ان فریقا منهم لیكتمون الحق و هم یعلمون ۱۴۶ الحق من ربك فلا تكونن من الممترین ۱۴۷
ترجمه :

۱۴۶- کسانی که کتب آسمانی به آنان داده ایم او (پیامبر) را همچون فرزندان خود می شناسند (اگر چه) جمعی از آنان حق را آگاهانه کتمان می کنند.
۱۴۷- این (فرمان تغییر قبله) حکم حقی از طرف پروردگار تو است، بنابراین هرگز از تردید کنندگان در آن مباش.

تفسیر :

آنها به خوبی او را می شناسند

در تعقیب بحثهای گذشته پیرامون لجاجت و تعصب گروهی از اهل کتاب، نخستین آیه مورد بحث می گوید: علمای اهل کتاب پیامبر اسلام را به خوبی همچون فرزندان خود می شناسند (الذین آتیناهم الكتاب يعرفونه كما يعرفون ابناءهم).

و نام و نشان و مشخصات او را در کتب مذهبی خود خوانده اند.

«ولی گروهی از آنان سعی دارند آگاهانه حق را کتمان کنند» (و ان فریقا منهم لیكتمون الحق و هم یعلمون).

هر چند گروهی از آنها با مشاهده این نشانه های روشن اسلام را پذیرا گشتند چنانکه از عبد الله بن سلام که از علمای یهود بود و سپس اسلام را پذیرفت نقل شده که می گفت: «من پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) را بهتر از فرزندم می شناسم»! (انا اعلم به منی یا بنی)

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۵۰۰

این آیه پرده از حقیقت جالبی بر می دارد و آن اینکه بیان صفات جسمی و روحی و ویژگیهای پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در کتب پیشین به قدری زنده و روشن بوده است که ترسیم کاملی از او در اذهان کسانی که با آن کتب، سر و کار داشته اند می نمود.
آیا کسی میتواند احتمال دهد که در آن کتب هیچ نامی از پیامبر اسلام و نشانی

از وی نبوده ولی پیغمبر اسلام با این صراحت در مقابل چشم آنها بگوید تمام صفات من در کتب شما موجود است؟ آیا اگر چنین بود همه دانشمندان اهل کتاب به مبارزه شدید و صریح بر ضد او بر نمی خاستند؟ و به او نمی گفتند این تو و این کتابهای ما، در کجای آن نام و صفات توثبت است؟ و آیا ممکن بود حتی یک نفر از علمای آنان در برابر پیامبر اسلام تسلیم شود؟! پس این گونه آیات خود دلیل بر صدق و حقانیت خودش می باشد.

سپس به عنوان تاءکید بحثهای گذشته پیرامون تغییر قبله، یا احکام اسلام بطور کلی می فرماید: «این فرمان حقی است که از سوی پروردگار تو است و هرگز از تردید کنندگان نباش (الحق من ربک فلا تکنن من الممترین). و با این جمله پیامبر را دلداری می دهد و تاءکید می کند در برابر سمپاشیهای دشمنان ذرهای تردید، چه در مسأله تغییر قبله و چه در غیر آن به خود راه ندهد هر چند دشمنان تمام نیروهای خود را در این راه بسیج کنند.

مخاطب در این سخن گرچه شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است ولی همانگونه که در آیات گذشته نیز گفتیم در واقع هدف همه مردم می باشند و گر نه مسلم است پیامبری که از طریق شهود با وحی سر و کار دارد هیچگاه شک و تردیدی به خود راه نمی دهد، چرا که وحی برای او جنبه حس و عین الیقین دارد.

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۵۰۱

آیه ۱۴۸

آیه و ترجمه

و لکل وجهة هو مولیها فاستبقوا الخیرت این ما تکنونوا یات بکم الله جمیعا ان الله علی کل شیء قدیر ۱۴۸

ترجمه :

۱۴۸- هر طایفه ای قبله ای دارد که خداوند آن را تعیین کرده است (بنابر این زیاد درباره قبله گفتگو نکنید، و بجای آن) در نیکی ها و اعمال خیر بر یکدیگر سبقت جوئید، و هر جاباشید خداوند شما را برای پاداش و کیفر در برابر اعمال نیک و بد در روز رستاخیز) حاضر می کند زیرا او بر هر کاری توانا است.

تفسیر :

هر امتی قبله ای دارد

این آیه در حقیقت پاسخی به قوم یهود است که دیدیم سر و صدای زیادی

پیرامون موضوع تغییر قبله به راه انداخته بودند، می‌گوید: «هر گروه و طایفه‌ای قبله‌ای دارد که خداوند آن را تعیین کرده است» (و لکل وجهة هو موليها).

در طول تاریخ انبیاء قبله‌های مختلفی بوده، و تغییر آن چیز عجیبی نیست، قبله همانند اصول دین نیست که تغییرناپذیر باشد، و یا همچون امور تکوینی که تخلف در آن میسر نشود، بنا بر این زیاد درباره قبله گفتگو نکنید و به جای آن در اعمال خیر و نیکی‌ها بر یکدیگر سبقت جوئید (فاستبقوا الخیرات). در عوض اینکه تمام وقت خود را صرف گفتگو در این مسأله فرعی کنید به سراغ خوبیها و پاکیها بروید که میدان وسیع و گسترده‌ای دارد و در آن از یکدیگر پیشی گیرید زیرا معیار ارزش وجودی شما عمل پاک و نیک شما است. این مضمون درست شبیه چیزی است که در آیه ۱۷۷ همین سوره آمده است

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۵۰۲

لیس البر ان تولوا وجوهکم قبل المشرق و المغرب ولكن البر من آمن بالله و الیوم الاخر و الملائكة و الکتاب و النبیین: «نیکوکاری این نیست که صورتتان را به طرف شرق و غرب کنید، بلکه به این است که ایمان به خدا و روز جزا و فرشتگان و پیامبران داشته باشید (و با الهام از ایمان راسخ اعمال صالح انجام دهید).

شما اگر می‌خواهید «اسلام» یا «مسلمانان» را بیازمائید با این برنامه‌ها بیازمائید نه به مسأله تغییر قبله.

سپس به عنوان یک هشدار به خرده‌گیران، و تشویق نیکوکاران می‌فرماید: «هر جا باشید خداوند همه شما را حاضر خواهد کرد (اینما تکنونوا یات بکم الله جمیعا).

در آن دادگاه بزرگ رستاخیز که صحنه نهائی پاداش و کیفر است. چنین نیست که عده‌ای مشغول انجام بهترین کارها باشند و گروهی دیگر جز سمپاشی و تخریب و اخلال کار دیگری نکنند، و با هم یکسان باشند و حساب و کتاب و جزائی در کار نباشد، مسلم بدانید چنان روزی در پیش است و به همه حسابها رسیدگی می‌شود.

و از آنجا که ممکن است برای بعضی این جمله عجیب باشد که چگونه خداوند ذرات خاکهای پراکنده انسانها را هر جا که باشد جمع‌آوری می‌کند و لباس حیات نوینی بر آنها می‌پوشاند؟ بلافاصله می‌گوید: «و خداوند بر هر کاری

قدرت دارد» (ان الله على كل شيء قدير).
در حقیقت این جمله در پایان آیه به منزله دلیل است برای جمله قبل از
«اینما تکنونوا یات بکم الله جمیعا».

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۵۰۳

نکته‌ها

نکته : ۱- آن روز که یاران مهدی (علیه السلام)

جمع می‌شوند در روایات متعددی که از ائمه اهل بیت (علیهم‌السلام) به ما
رسیده جمله «اینما تکنونوا یات بکم الله جمیعا» به اصحاب مهدی (علیه
السلام) تفسیر شده است.

از جمله در کتاب روضه کافی از امام باقر (علیه السلام) می‌خوانیم که بعد از
ذکر این جمله فرمود: یعنی اصحاب القائم، الثلاثمة و البضعة عشر رجلا، هم و
الله الامة المعدودة، قال یجتمعون و الله فی ساعة واحدة قزع کقزع الخریف:
«منظور اصحاب امام قائم (علیه السلام) که سیصد و سیزده نفرند، به خدا
سوگند منظور از «امة معدودة» آنها هستند، به خدا سوگند در یکساعت
همگی جمع می‌شوند همچون پاره‌های ابر پائیزی که بر اثر تند باد، جمع و
متراکم می‌گردد»!.

از امام علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) نیز نقل شده: و ذلک و الله ان لو
قام قائمنا یجمع الله الیه جمیع شیعتنا من جمیع البلدان: به خدا سوگند
هنگامی که مهدی (علیه السلام) قیام کند تمام پیروان ما را از تمام شهرها
گرد او جمع می‌کند.

بدون شک این تفسیر از مفاهیم «بطون» آیه است، چرا که می‌دانیم طبق
روایات، آیات قرآن گاه معانی متعددی دارد که یک معنی ظاهر و همگانی
عمومی است، و دیگری معنی درونی و به اصطلاح بطن آیه است، که جز پیامبر
(صلی الله علیه و آله و سلم) و امامان (علیهم‌السلام) و کسانی که خدا بخواهد،
از آن آگاه نیستند.

به تعبیر دیگر: در حقیقت این روایات اشاره به آن است، خدائی که قدرت دارد
ذرات پراکنده خاک انسانها را در قیامت از نقاط مختلف جهان جمع‌آوری کند،
به آسانی می‌تواند یاران مهدی را در یک روز و یک ساعت برای افروختن
نخستین جرقه‌های انقلاب به منظور تاسیس حکومت عدل الهی و پایان دادن
به ظلم

و ستم، جمع نماید.

نکته : ۲- تفسیر جمله و لكل وجهة هو موليها

گفتیم ظاهر آیه این است که اشاره به قبله‌های مختلفی است که خدا برای امتها قرار داده، ولی بعضی احتمال داده‌اند که اشاره به معنی وسیعتری است که شامل روشها و برنامه‌های تکوینی می‌شود، و در حقیقت معنی قضا و قدر تکوینی نیز از آن منظور بوده (دقت کنید).

السته اگر قرائن قبل و بعد این آیه نبود، چنین تفسیری امکانپذیر بود، ولی با توجه به این قرائن ظاهر همان معنی اول است، و جمله «هو موليها» شبیه «فلنولينك قبلة ترضاها» است، و به فرض که آیه اشاره به این معنی باشد هرگز به مفهوم آن قضا و قدر اجباری نیست، بلکه همان قضا و قدری است که با اصل آزادی اراده و اختیار سازگار است.

آیه ۱۴۹ - ۱۵۰

آیه و ترجمه

و من حیث خرجت فول وجهک شطر المسجد الحرام و انه للحق من ربک و ما الله بغفل عما تعملون ۱۴۹

و من حیث خرجت فول وجهک شطر المسجد الحرام و حیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطره لئلا یكون للناس علیکم حجة الا الذین ظلموا منهم فلا تخشوهم و اخشونی و لاتمنعمتی علیکم و لعلکم تهتدون ۱۵۰

ترجمه :

۱۴۹- از هر جا (و از هر شهر و نقطه‌ای) خارج شدی (به هنگام نماز) روی خود را به جانب مسجد الحرام کن، این دستور حقی است از طرف پروردگار تو و خداوند از کردار شما غافل نیست.

۱۵۰- و از هر جا خارج شدی روی خود را به جانب مسجد الحرام کن، و هر جا بودید روی خود را به سوی آن کنید تا مردم جز ظالمان (که دست از لجاجت بر نمی‌دارند) دلیلی برضد شما نداشته باشند (زیرا از نشانه‌های پیامبر که در کتب آسمانی پیشین آمده این است که او به سوی دو قبله نماز می‌خواند) از آنها نترسید (و تنها) از من بترسید (این تغییر قبله به خاطر آن بود که) نعمت

خود را بر شما تمام کنم تا هدایت شوید .

تفسیر :

تنها از خدا بترس

این آیات همچنان مسأله تغییر قبله و پی آمدهای آن را دنبال می کند .

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۵۰۶

در آیه نخست روی سخن را به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) کرده و به عنوان یک فرمان مؤکد می گوید: «از هر جا (و از هر شهر و دیار) خارج شدی (به هنگام نماز) روی خود را به جانب مسجد الحرام کن» (و من حیث خرجت فول وجهک شطر المسجد الحرام).

و باز به عنوان تاءکید بیشتر اضافه می کند: این فرمان دستور حقی است از سوی پروردگارت (و انه للحق من ربک).

و در پایان این آیه به عنوان تهدیدی نسبت به توطئه گران و هشدارى به مؤمنان می گوید: و خدا از آنچه انجام می دهید غافل نیست (و ما الله بغافل عما تعملون).

این تاءکیدات پی در پی که در آیه بعد نیز تعقیب خواهد شد، همگی حاکی از این حقیقت است که مسأله تغییر قبله و نسخ حکم سابق برای گروهی از تازه مسلمانان نیز گران و سنگین بوده همانگونه که برای دشمنان لجوج، دستاویزی برای سمپاشی.

در اینجا و بطور کلی در همه تحولات و انقلابهای تکاملی چیزی که می تواند به گفتگوها پایان دهد و تردیدها و شکها را بزدايد همان قاطعیت و صراحت و تاءکیدهای متوالی و کوبنده است، هر گاه رهبر جمعیت در این مواقع حساس با لحن قاطع و برنده و غیر قابل تغییر، موضع خود را مشخص کند، دوستان را مصمم تر و دشمنان را برای همیشه مایوس خواهد ساخت، و این نکته کرارا در قرآن به وضوح دیده می شود .

بعلاوه این تکرار و تاءکیدها در حقیقت تکرار محض نیست بلکه دستورات تازه ای نیز هم همراه دارد، از جمله اینکه در آیات گذشته تکلیف مسلمانان در ارتباط با مسأله قبله نسبت به شهری که در آن زندگی می کردند مشخص شده بود، اما در این آیه و آیه بعد، حکم نمازگزاران را به هنگام مسافرت در هر نقطه

و هر دیار روشن می‌سازد.

در آیه بعد، حکم عمومی توجه به مسجد الحرام را در هر مکان و هر نقطه‌های تکرار می‌کند می‌گوید: «از هر جا خارج شدی و به هر نقطه روی آوردی، صورت خود را به هنگام نماز متوجه مسجد الحرام کن» (و من حیث خرجت فول وجهک شطر المسجد الحرام).

درست است که روی سخن در این جمله به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است ولی مسلماً منظور عموم نمازگزاران می‌باشد، ولی در جمله بعد برای تأکید و تصریح اضافه می‌کند: «و هر جا شما بوده باشید روی خود را به سوی آن کنید» (و حیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطره).

سپس در ذیل همین آیه به سه نکته مهم اشاره می‌کند

۱- کوتاه شدن زبان مخالفان - می‌گوید «این تغییر قبله به خاطر آن صورت گرفت که مردم حجتی بر ضد شما نداشته باشند» (لئلا یکون للناس علیکم حجة).

هر گاه این تغییر قبله صورت نمی‌گرفت از یک سو زبان یهود به روی مسلمانان باز می‌شد و می‌گفتند: ما در کتب خود خوانده‌ایم که نشانه پیامبر موعود این است که به سوی دو قبله نماز می‌خواند و این نشانه در محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) نیست، و از سوی دیگر مشرکان ایراد می‌کردند که او مدعی است برای احیاء آئین ابراهیم آمده، پس چرا خانه کعبه را که پایه گزارش ابراهیم است فراموش نموده، اما حکم تغییر قبله موقت به قبله دائمی، زبان هر دو گروه را بست.

ولی از آنجا که همیشه افراد بهانه جو و ستمگری هستند که در برابر هیچ منطقی تسلیم نمی‌شوند، استثنائی برای این موضوع قائل شده، می‌گوید: «مگر کسانی از آنها که ستم کرده‌اند» (الا الذین ظلموا منهم).

که اینها به هیچ صراطی مستقیم نیستند، اگر به سوی بیت المقدس نماز بخوانید می‌گویند این قبله یهود است و شما دنباله رو دیگرانید، و اگر به سوی کعبه باز گردید می‌گویند شما ثبات و بقائی ندارید، بقیه آئین شما نیز به زودی دستخوش دگرگونی خواهد شد!

این بهانه جویان به حق شایسته نام ستمگر و ظالمند، چرا که هم بر خود ستم می‌کنند و هم بر مردم که سد راه هدایت آنها می‌شوند.

۲- از آنجا که عنوان کردن این گروه لجوج را با نام «ستمگر» ممکن بود در بعضی تولید وحشت کند می‌گوید «از آنها هرگز نترسید، و تنها از من بترسید» (فلا تخشوه و اخشونی).

این یکی از اصول کلی و اساسی تربیت توحیدی اسلامی است که از هیچ چیزی و هیچ کس جز خدا نباید ترس داشت، تنها ترس از خدا (یا صحیحتر ترس از نافرمانی او) شعار هر مسلمان با ایمان است، که اگر این اصل بر روح و جان آنها پرتوافکن شود، هرگز شکست نخواهند خورد.

اما مسلمان نماهائی که به عکس دستور بالا، گاه از شرق می‌ترسند و گاه از قدرت غرب گاه از «منافقین داخلی» و گاه از «دشمنان خارجی» خلاصه از همه چیز و همه کس جز خدا وحشت دارند آنها همیشه زبون و حقیر و شکست خورده‌اند.

۳- تکمیل نعمت خداوند به عنوان آخرین هدف برای تغییر قبله ذکر شده، می‌فرماید «این به خاطر آن بود که شما را تکامل بخشم و از قید تعصب برهانم» (و نعمت خود را بر شما تمام کنم تا هدایت شوید) (و لایم نعمتی علیکم و لعلکم تهتدون).

در حقیقت تغییر قبله یکنوع تربیت و تکامل و نعمت برای مسلمانان بود تا با انضباط اسلامی آشنا شوند و از تقلید و تعصب برهند، زیرا همانگونه که گفتیم

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۵۰۹

خداوند در آغاز برای جدا کردن صفوف مسلمانان از بت پرستان که در برابر کعبه که آن روز بت خانه بزرگی بود سجده می‌کردند دستور داد به سوی بیت المقدس نماز بخوانند، تاموضع آنان در برابر مشرکان مشخص گردد، اما بعد از هجرت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هم زمان با تشکیل حکومت اسلامی دستور توجه به سوی کعبه صادر شد، و مسلمانان متوجه قدیمی ترین خانه توحید شدند و به این ترتیب یک مرحله از تکامل جامعه اسلامی تحقق یافت.

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۵۱۰

آیه و ترجمه

كما ارسلنا فيكم رسولا منكم يتلوا عليكم آيتنا ويزكيكم و يعلمكم الكتب و
الحكمة و يعلمكم ما لم تكونوا تعلمون ۱۵۱

فاذكروني اذ كرتم و اشكروا لي و لا تكفرون ۱۵۲

ترجمه :

۱۵۱- همانگونه (که با تغییر قبله نعمت خود را بر شما کامل کردیم) رسولی در میان شما از نوع خودتان فرستادیم تا آیات ما را بر شما بخواند، و شما را تزکیه کند، و کتاب و حکمت بیاموزد، و آنچه نمی دانستید به شما یاد دهد.
۱۵۲- پس به یاد من باشید تا به یاد شما باشم، و شکر مرا گوئید و کفران (در برابر نعمتها) نکنید.

تفسیر :

برنامه های رسول الله

خداوند در آخرین جمله از آیه گذشته یکی از دلائل تغییر قبله را تکمیل نعمت خود بر مردم و هدایت آنان بیان کرد، در آیه مورد بحث با ذکر کلمه کما اشاره به این حقیقت می کند که تغییر قبله تنها نعمت خدا بر شما نبود، بلکه نعمتهای فراوان دیگری به شما داده است «همانگونه که رسولی در میان شما از نوع خودتان فرستادیم» (كما ارسلنا فيكم رسولا منكم).
کلمه «منکم» (از شما) ممکن است اشاره به این معنی باشد که او از نوع بشر است و تنها بشر می تواند مربی و رهبر و سرمشق انسانها گردد و از دردها و نیازها و مسائل او آگاه باشد که این خود نعمت بزرگی است

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۵۱۱

و یا منظور این است که او از نژاد شما و هموطن شما است، زیرا عربهای جاهلی بر اثر تعصب شدید نژادی ممکن نبود زیر بار پیامبری از غیر نژاد خود بروند، چنانکه در آیه ۱۹۸ و ۱۹۹ سوره شعراء می خوانیم: و لو نزلناه علی بعض الاعجمین فقراه علیهم ما کانوا به مؤمنین: «اگر ما قرآن را بر مردی از غیر عرب نازل می کردیم و بر آنها می خواند هرگز به او ایمان نمی آوردند» و این برای آنها نعمت مهمی محسوب می شد که پیامبر از خودشان باشد.
البسته این برای آغاز کار بود، اما سر انجام مسأله نژاد و وطن (جغرافیائی) از برنامه ها حذف شد و دستور اصلی و جاودانه اسلام که جهان را وطن، و انسانیت را نژاد معرفی می کند، اعلام گردید بعد از ذکر این نعمت به چهار

نعمت دیگر که از برکت این پیامبر عاید مسلمین شد اشاره می‌کند:

۱- «آیات ما را بر شما می‌خواند» (یتلوا علیکم آیاتنا).

«یتلوا» از ماده «تلاوت» به معنی پی در پی در آوردن است لذا هنگامی که عباراتی پی در پی (و روی نظام صحیح) خوانده شود از آن تعبیر به تلاوت می‌کنند، یعنی پیامبر، سخنان خدا را روی نظام صحیح و مناسبی پی در پی بر شما می‌خواند تا قلوبتان را آماده پذیرش معانی آن کند، بنابراین تلاوت منظم و حساب شده پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) برای ایجاد آمادگی در برابر تعلیم و تربیت است که در جمله‌های بعد به آن اشاره می‌شود.

۲- «او شما را پرورش می‌دهد» (و یزکیکم).

«تزکیه» در اصل (چنانکه راغب در مفردات گوید) به معنی افزودن و نمو دادن است، یعنی او با کمک گرفتن از آیات خدا بر کمالات معنوی و مادی، شما می‌افزاید، و روحستان را نمو می‌دهد، گلهای فضیلت را بر شاخسار وجودتان آشکار می‌سازد و انواع صفات زشت را که در عصر جاهلیت، جامعه شما را فرا

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۵۱۲

گرفته بود میزداید.

۳- و کتاب و حکمت به شما می‌آموزد (و یعلمکم الکتاب و الحکمة).

گرچه «تعلیم» بطور طبیعی مقدم بر «تربیت» است، اما همانگونه که سابقا هم اشاره کردیم قرآن مجید برای اثبات این حقیقت که هدف نهایی «تربیت» است غالباً آن را مقدم بر تعلیم آورده است:

فرق میان «کتاب» و «حکمت»، ممکن است از این نظر باشد که کتاب اشاره به آیات قرآن و وحی الهی است که به صورت اعجاز بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شده، ولی حکمت سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و تعلیمات او است که سنت نام دارد.

و نیز ممکن است «کتاب» اشاره به اصل دستورات باشد و حکمت اشاره به «اسرار» فلسفه‌ها، علل و نتائج آن باشد.

بعضی از مفسران نیز احتمال داده‌اند که حکمت اشاره به حالت و ملکه‌ای باشد که از تعلیمات کتاب حاصل می‌شود، و با داشتن آن انسان می‌تواند هر کار را بجای خود انجام دهد نویسنده تفسیر «المنار» بعد از ذکر تفسیر نخست (منظور از حکمت «سنت» است) آن را نادرست می‌شمرد، و به آیه ۳۹

سوره اسراء ذلک مما اوحی الیک ربک من الحکمة (اینها از اموری است که پروردگارت از حکمت به تو وحی فرستاده) استدلال می کند.

ولی به عقیده ما پاسخ این ایراد روشن است زیرا حکمت، معنی وسیعی دارد و ممکن است به آیات قرآن و اسراری که از این طریق بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شده اطلاق گردد، ولی آنجا که «حکمت» در برابر کتاب (قرآن) قرار می گیرد (مانند آیه مورد بحث و آیات مشابه آن) مسلماً منظور از آن غیر از کتاب است و آن چیزی جز «سنت» نخواهد بود.

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۵۱۳

۴- «و آنچه را نمی دانستید به شما تعلیم می دهد (و یعلمکم ما لم تکنوا تعلمون).

گرچه این موضوع در جمله قبل که تعلیم کتاب و حکمت است وجود داشته ولی قرآن مخصوصاً آن را تفکیک می کند، تا به آنها به فهماند اگر پیامبران نبودند بسیاری از علوم برای همیشه از شما مخفی بود، آنها تنها رهبر اخلاقی و اجتماعی نبودند، بلکه پیشوای علمی نیز بودند که بدون رهبری آنها علوم انسانی نضج نمی گرفت.

با توجه به نعمتهای مختلف الهی که در این آیه بیان شد، در آیه بعد به مردم اعلام می کند که جا دارد شکر این نعمتهای بزرگ را بجا آورند و با بهره گیری صحیح از این نعمتها، حق شکر او را ادا کنند، می فرماید: «مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و شکر مرا بجا آورید و کفران نکنید» (فاذکرونی اذکرکم و اشکروا لی و لا تکفرون).

بدیهی است جمله مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم اشاره به یک معنی عاطفی میان خدا و بندگان نیست، آن گونه که در میان انسانها است که به هم می گویند: به یاد ما باشید تا به یاد شما باشیم بلکه اشاره به یک اصل تربیتی و تکوینی است، یعنی بیاد من باشید، به یاد ذات پاکی که سرچشمه تمام خوبیها و نیکیها است و به این وسیله روح و جان خود را پاک و روشن سازید و آماده پذیرش رحمت پروردگار، توجه شما به این ذات پاک شما را در فعالیتها مخلص تر مصمم تر، نیرومندتر، و متحدتر می سازد.

همانگونه که منظور از «شکرگزاری و عدم کفران» تنها یک مساءله تشریفاتی و گفتن با زبان نیست، بلکه منظور آن است که هر نعمتی را درست به جای خود مصرف کنید و در راه همان هدفی که برای آن آفریده شده به کار

گیرید تا مایه فزونی رحمت و نعمت خدا گردد.

نکته‌ها

نکته : ۱- گفتار مفسران در تفسیر جمله

«فاذکرونی اذکرکم»

مفسران در شرح این جمله، و اینکه منظور از یادآوری بندگان چیست و یادآوری خداوند چگونه است تفسیرهای متنوعی ذکر کرده‌اند که فخر رازی در تفسیر کبیر خود آن را در ده موضوع خلاصه کرده:

۱- مرا به «اطاعت» یاد کنید، تا شما را به «رحمت» یاد کنم (شاهد این سخن آیه ۱۳۲ سوره آل عمران است که می‌گوید: اطیعوا الله و الرسول لعلکم ترحمون).

۲- مرا به «دعا» یاد کنید، تا شما را به «اجابت» یاد کنم (شاهد این سخن آیه ۶۰ سوره است که می‌گوید: ادعونی استجب لکم)

۳- مرا به «ثنا و طاعت» یاد کنید، تا شما را به «ثنا و نعمت» یاد کنم.

۴- مرا در «دنیا» یاد کنید تا شما را در «جهان دیگر» یاد کنم.

۵- مرا در «خلوتگاه‌ها» یاد کنید تا شما را در جمع یاد کنم.

۶- مرا به «هنگام وفور نعمت» یاد کنید، تا شما را در «سختیها» یاد کنم.

۷- مرا به عبادت یاد کنید تا شما را به کمک یاد کنم (شاهد این سخن جمله ایاک نعبد و ایاک نستعین است).

۸- مرا به «مجاهدت» یاد کنید، تا شما را به «هدایت» یاد کنم (شاهد این سخن آیه ۶۹ سوره عنکبوت است که می‌فرماید و الذین جاهدوا فینا لنهیدنهم سبلنا).

۹- مرا به «صدق و اخلاص» یاد کنید شما را به «خلاص و مزید اختصاص»

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۵۱۵

یاد می‌کنم.

۱۰- مرا به «ربوبیت» یاد کنید شما را به رحمت یاد می‌کنم مجموعه سوره حمد می‌تواند گواه این معنی باشد).

البته هر یک از این امور جلوه‌های از جلوه‌های معنی وسیع این آیه است و آیه فوق همه این معانی و حتی غیر آن را نیز شامل می‌شود: مرا به «شکر» یاد

کنسید تا شما را به «زیادی نعمت» یاد کنم، چنانکه در آیه ۷ سوره ابراهیم می‌خوانیم لئن شکرتم لازیدنکم.

بدون شک هر گونه توجه به خداوند - چنانکه گفتیم - یک اثر تربیتی دارد که در پرتو یاد خدا در وجود انسان پرتوافکن می‌شود، و روح و جان او بر اثر این توجه آمادگی نزول برکات جدیدی که متناسب با نحوه یاد او است پیدا می‌کند.

نکته : ۲- ذکر خدا چیست؟

مسلم است منظور از ذکر خدا تنها یادآوری به زبان نیست، که زبان ترجمان قلب است، هدف این است با تمام قلب و جان به ذات پاک خدا توجه داشته باشید، همان توجهی که انسان را از گناه باز می‌دارد و به اطاعت فرمان او دعوت می‌کند.

به همین دلیل در احادیث متعددی از پیشوایان اسلام نقل شده است که منظور از ذکر خدا یادآوری عملی است، در حدیثی از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌خوانیم که به علی (علیه السلام) وصیت فرمود و از جمله وصایایش این بود: ثلاث لا تطيقها هذه الامّة المواساة للاح فی ماله و انصاف الناس من نفسه، و ذکر الله علی کل حال، و لیس هوسبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر، و لکن اذا ورد علی ما یحرم الله علیه خاف الله تعالی عنده و ترکه: «سه کار است که این امت توانائی

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۵۱۶

انجام آن را (بطور کامل) ندارند، مواسات و برابری با برادر دینی در مال، و ادای حق مردم با قضاوت عادلانه نسبت به خود و دیگران، و خدا را در هر حال یاد کردن، منظور سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر نیست، بلکه منظور این است هنگامی که کار حرامی در مقابل او قرار می‌گیرد از خدا بترسد و آن را ترک گوید.

ولی به هر حال چه جالب است که خداوند با آن عظمت، ذکر بندگان را در کنار ذکر خود قرار می‌دهد، بندگان در آن عالم محدود و کوچکشان و خداوند بزرگ در آن عالم نامحدود و بی‌انتهای با آن همه رحمتها و برکات!